

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

نقش پیشگویی‌ها در شکل‌گیری نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی

مصطفی صادقی کاشانی^۱

چکیده

در منابع اسلامی روایات زیادی درباره حوادث آینده جهان اسلام به عنوان ملاحم یا پیش‌گویی ذکر شده است. بخشی از این پیش‌گویی‌ها از زبان اولیای الهی بوده و به درستی محقق شده و بخشی هم به درستی روشن نیست. هر دو دسته اخبار می‌تواند در ایجاد و شکل‌گیری فرقه‌ها و قیام‌ها و به عبارتی نحله‌ها و جنبش‌ها تأثیرگذار بوده و نقش ایفا نماید. نوشته حاضر در پی آن است که این نقش و تأثیر را بررسی کند.

واژگان کلیدی

پیش‌گویی، ملاحم، مهدی، غیبت، آینده.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (sadeqi48@yahoo.com).

مقدمه

در احادیث نبوی و اخبار منقول از صحابه آن حضرت و روایات ائمه معصوم، رخداد‌های بسیاری پیش‌گویی یا پیش‌بینی شده است. دسته‌ای از این اخبار درباره مرگ افراد یا حوادثی است که پیش‌گویی آن نقشی در ایجاد آن حادثه ایجاد نمی‌کند و معنا ندارد که افراد برای شکل‌گیری آن از روایت‌ها تأثیر بپذیرند. البته شکی نیست که این احادیث نشان‌دهنده اتصال پیامبر به وحی و معجزه‌ای برای آن حضرت تلقی می‌شود و آثاری هم در پی دارد اما به شکل‌گیری فرقه نیجامیده است.^۱ دسته دیگر خبرهایی است که شکل‌گیری اصل حادثه پیش‌گویی شده می‌تواند از آنها تأثیر بپذیرد. گذشته از اینکه چه اندازه از این اخبار درست است و شرایط اعتماد را دارد، در طول تاریخ اسلام و تا زمان حاضر از این اخبار استفاده و سوء استفاده‌های فراوان شده و آثاری را در پی داشته است. یکی از این آثار، تأثیرگذاری در ایجاد فرقه‌ها و شکل‌گیری حرکت‌ها، قیام‌ها و جنبش‌هاست.

درباره این اخبار که گاهی از آنها به ملاحم یا علائم تعبیر می‌شود آثار فراوانی نوشته شده است. برخی از نویسندگان به جمع‌آوری روایات پرداخته و عده‌ای دیگر آنها را با توجه به معیارهای حدیثی بررسی کرده‌اند. برخی نیز به تطبیق روایات با گروه‌ها و شخصیت‌های معاصر خود پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر بنا دارد نقش و تأثیر این احادیث و اخبار را در شکل‌گیری فرقه‌ها و حرکت‌های اجتماعی بررسی کند. گویا به عنوان پیش‌فرض در اصل این تأثیرپذیری نمی‌توان تردید کرد اما اینکه این نقش، چه اندازه بوده و در کدام دسته از اخبار مشاهده می‌شود، پرسش تحقیق پیش‌روست. بنابراین سؤال این خواهد بود که پیش‌گویی‌ها چه نقشی در ایجاد نحله‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی داشته‌اند؟

فرضیه این است که به استثنای پیش‌گویی‌هایی که در همه مذاهب ثابت شده است مانند اصل مهدی و غیبت او؛ اکثر قریب به اتفاق پیش‌گویی‌ها نقشی در ایجاد فرقه‌ها نداشته است. بله، در خصوص نحله‌ها و جنبش‌های سده‌های میانی و متأخر می‌توان چنین نقشی را مثبت دانست.

از آنجا که اخبار پیش‌گویی‌ها بسیار زیاد است و پرداختن به نقش همه آنها در طول حدود

۱. مانند اینکه آن حضرت فرمود: ولید بن عقبه اهل دوزخ است؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۴. یا به دخترش فاطمه علیها السلام فرمود تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۹۰.

پانزده قرن تاریخ اسلام دامنه درازی دارد، محدوده این نوشته را سه قرن نخست و به عبارتی فقط دوران حضور ائمه قرار می‌دهیم.

از مشکلات تحقیق حاضر آمیختگی اخبار واقعی با پیش‌گویی‌های ساختگی است. روشن نیست کدام دسته از روایات و اخبار، واقعاً پیش‌گویی به شمار می‌رود و کدام یک همزمان با واقعه جعل شده است. دوری ما از صدر اسلام و زمان صدور روایات، بر این مشکل افزوده و امروز همه اخبار از صحیح و سقیم در پیش روی ما یکسان جلوه می‌کند.

پیشینه: بحث از پیش‌گویی‌ها به گونه‌ای با اخبار و روایات ظهور و نشانه‌های آن مرتبط است. منابع نخست و دست اول حدیثی مهدویت مانند *کمال‌الدین* شیخ صدوق و *الغیبه* نعمانی و *الغیبه* شیخ طوسی، همچنین منابع اخبار ملاحم و فتن مانند *الفتن* ابن حماد یا کتاب *التشریف بالمنن* ابن طاووس، از مشهورترین آثار دربردارنده اخبار مورد نظر ماست. پس از آنها کتب بسیار زیادی هست که به جمع‌آوری و نقل روایات پرداخته‌اند. مانند *معجم الملاحم و الفتن* نوشته دهرسخی؛ *نوائب الدهور* نوشته میرجهانی، *مأتان و خمسون علامه* نوشته طباطبائی. دسته سوم آثاری است که به بررسی این اخبار نیز نگاهی داشته‌اند. در این میان کتاب *مهدیان دروغین* استاد جعفریان ارتباط بیشتری با این بحث دارد و ضمن شمارش مدعیان مهدویت گاهی به روایات تأثیرگذار در این موضوع اشاره می‌کند.

اما تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، هیچ‌کدام از این آثار مستقلاً به جایگاه روایات و نقش و تأثیر آنها در ایجاد و شکل‌گیری فرق و مذاهب یا جنبش‌های اجتماعی نپرداخته‌اند.

مفاهیم

۱. پیشگویی

پیش‌گویی یا پیش‌بینی یک حادثه یعنی اطلاع دادن از آن پیش از آنکه واقع شود. این دو واژه غالباً بلکه دائماً با نوعی اطلاع از آینده و غیب‌گویی همراه است. دست کم در بحث مهدویت و آینده‌پژوهی وقتی سخن از پیش‌گویی می‌شود بدین معناست که کسی از رویدادهای آینده خبر داده باشد. بنابراین کسی که از آینده خبر می‌دهد یا باید متصل به منبع غیب باشد که جز انبیا و اوصیای آنان نیستند، یا از راه‌های غیرمعمول و ریاضت‌هایی بدان آگاهی‌ها دست یابد. بحث ما در اینجا از نوع نخست است که پیش‌گویی و اطلاع دادن از آینده برخاسته از منبع وحی بوده و به پیامبر یا معصوم برسد. وقتی امام کاظم علیه السلام درباره اختلاف امین و مأمون به پدرشان هارون خبر داد فرمود: این خبر را

عالمان از اوصیا و آنها از انبیا بیان کرده‌اند.^۱ آنگاه این اخبار به خاطر جذابیتی که داشت به سرعت منتشر می‌شد. اینکه بعدها دیگران از اختلاف امین و مأمون خبر دادند،^۲ جز همان خبر اوصیا از انبیا نبود.

هر چند در پیش‌گویی‌ها زمان مشخصی از گفتن تا وقوع حادثه در نظر گرفته نشده است، اما آنچه در غالب اخبار به چشم می‌خورد (نه پیش‌گویی‌های قرآن) معمولاً زمانی طولانی بیش از یکی دو سده را شامل نمی‌شود.

در معارف دینی و در اصطلاح منابع روایی از پیش‌گویی‌ها با عنوان ملاحم یا فتن یاد می‌شود که با قدری تسامح می‌توان آن را به پیش‌گویی یا پیش‌بینی حوادث آینده ترجمه کرد. واژه ملاحم جمع مَلَحَمَه است. کنایه از حوادث سختی که گوشت بدن انسان‌ها (لحم) در آن می‌ریزد. اما اصطلاح فِتن (جمع فتنه) که غالباً در کنار ملاحم از آن استفاده می‌شود، به معنای جداسازی طلای خالص از ناخالص است و سپس در معانی امتحان، سختی و بلا، وسوسه و گمراه کردن به کار رفته و در قرآن نیز به همین معانی آمده است. اما این کلمه در روایات مربوط به مهدویت و آینده‌پژوهی، به آشوب‌ها و شورش‌هایی اطلاق شده که در آینده جهان اسلام رخ خواهد نمود.

هر چند پیش‌گویی‌هایی معتبر و صحیح است که مستند به کلام معصوم باشد اما بسیاری از اخبار مربوط به آینده شرایط کافی و لازم برای اعتماد را ندارد. چون بخشی از این اخبار بخصوص آنچه در منابع اهل سنت آمده، مبتنی بر دیدگاه‌های حدیثی آنان از صحابه است و به پیامبر نمی‌رسد. این احادیث در علم درایة الحدیث اصطلاحاً موقوف گفته می‌شود. در شیعه هم اخباری وجود دارد که ممکن است حتی با سندی ظاهراً صحیح به اهل بیت نسبت داده شود. چنانکه اخباری در منابع اسلامی هست که از آثار گذشتگان و غیرمسلمانان به این منابع راه یافته یا در تاریخ اسلام میان مسلمانان به عنوان ملاحم شهرت داشته که منبع و منشأ آن مشخص نیست.

با توجه به اینکه محدوده این نوشتار به دوران حضور ائمه است، از پیش‌گویی‌های افرادی چون نعمت‌الله ولی یا نوستر آداموس سخن نخواهیم گفت. همچنین به دلیل آنکه رویکرد بحث، مهدوی است از پیش‌گویی‌هایی سخن خواهیم گفت که بیشتر با موضوع آخرالزمان ارتباط دارد.

۱. اخبار الطوال ص ۳۸۹.

۲. مروج الذهب ۳، ص ۳۵۱.

۲. نحله

اصل نحله به معنی هدیه و پیش کش است. اگر به معنی مذهب و دین هم آمده، به اعتبار هدیه الهی است. ابن منظور یکی از معانی متعدد نحله (به کسر) را دیانت بیان می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد این واژه به معنای فکر و اندیشه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است. در بحث حاضر منظور از نحله‌های فکری همان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است که دارای افکار و اندیشه‌های مختلف و گونه‌گون هستند. همانطور که در اصطلاح فرقه‌نگاران دو واژه «ملل و نحل» معمول و مشهور است.

۳. جنبش

جنبش یعنی حرکت. و جنبش اجتماعی در اصطلاح جامعه‌شناسی به کوشش سازمان‌یافته گروه یا جمعی گفته می‌شود که می‌خواهند برخی از شئون جامعه را تغییر دهند یا حفظ کنند.^۲ در تاریخ اسلام حرکت‌ها و قیام‌های بسیاری رخ داده که مصداق جنبش اجتماعی هستند. بیشتر این حرکت‌ها به دلیل آنکه با هدف ظلم‌ستیزی و نجات مردم از شرایط سخت روزگار انجام شده، با شعارهای منجی‌گرایانه و مهدوی همراه بوده است. از سوی دیگر بیشتر پیش‌گویی‌ها مربوط به ظهور مهدی یا شورش‌ها و حرکت‌های اجتماعی آینده مسلمانان است. آنچه از این جنبش‌ها در محدوده تحقیق حاضر یعنی عصر حضور ائمه رخ داده باشد، مورد بحث خواهد بود وگرنه حرکت‌های اجتماعی در طول تاریخ اسلام کم نیست. بخصوص جنبش‌ها متأخر از عصر معصومین و انقلاب‌های معاصر که می‌توان بسیاری از آنها را متأثر از پیش‌گویی‌ها دانست.

بخش نخست؛ بررسی نقش اخبار معتبر در شکل‌گیری نحله‌ها و جنبش‌ها

الف) مهدی

اخبار و روایات مهدی و ظهور او از روایاتی است که در اصل آن نمی‌توان تردید کرد. این اعتقاد و همچنین روایات مختلف و متعدد سبب شده است گروه‌های فراوانی در طول تاریخ از آن استفاده کنند. بنا به روایات فریقین، رسول خدا ﷺ بارها بر آمدن مهدی و برخی ویژگی‌های او مانند همانمی‌اش تأکید کرد. این اخبار که بعدها از سوی ائمه معصومین علیهم‌السلام تأکید شد، مسلمانان را مشتاق ظهور منجی‌ای کرد که دقیقاً نمی‌دانستند کیست و چه زمانی

۱. لسان العرب، ذیل ماده «نحل».

۲. مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ترجمه توسلی و فاضل، ص ۴۱۳.

خواهد آمد.

در این میان، تنها شیعه امامیه او را آخرین سلسله از حلقه دوازده امام خود می‌دانست. اما به رغم این آگاهی، همچون بقیه مسلمانان گرفتار جعل و ادعاهای دروغین شد و در هر دوره افرادی پیدا شدند که با سوء استفاده از نام مهدی و امام عصر علیه السلام به دنبال منافع خود گشتند. عده‌ای هم خود مدعی مهدویت نبودند بلکه انسان‌های صالح و گاه پیشوایانی بودند که دیگران به نام آنها چنین ادعاهایی را رقم زدند.

بنابراین پیش‌گویی درباره مهدی نخستین عنوانی است که موجب ایجاد فرقه‌ها و نحله‌ها و جنبشهای اجتماعی شد. در ادامه به برخی از این گروه‌ها اشاره می‌شود:

کیسانیه از نحله‌هایی است که زودتر از بقیه عنوان مهدی را به خود اختصاص داد. هر چند نمی‌توان بر ادعای محمد بن حنفیه درباره مهدی بودن صحه گذاشت و همراهی وی با مختار در این باره روشن نیست؛ اما در نامه‌هایی که مختار به او نوشته و در تاریخ ثبت است صریحاً عنوان مهدی وجود دارد. کیسانیه بر اساس اعتقاد به مهدی بودن محمد و ادعای حیات و غیبت او پا گرفت و تشکل یافت.

نقشی که اخبار و پیشگویی‌ها در ایجاد این فرقه داشت حدیثی است که به رسول خدا نسبت داده شده و امروز جزء اعتقادات شیعه امامیه نیز هست: «نام مهدی نام من است و کنیه اش کنیه من». و نام و کنیه ابن حنفیه نیز چنین بود. از استدلال‌های هواداران ابن حنفیه بر مهدویت او این بود که گفتند پیامبر فرموده است:

المهدی رجل من أهل بیته یواطئ اسمه اسمی و کنیته کنیتی.^۱

درباره محمد بن عبدالله بن حسن نیز شبیه این خبر را به رسول خدا نسبت دادند که «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی» و برای او ادعای مهدویت شد.^۲ جنبش وی در مدینه و برادرش در کوفه خلافت عباسی را تهدید کرد اما با سرکوبی آن دو، پایان یافت. ابوالفرج گوید مردم می‌گفتند روایت (مهدی) درباره او وارد شده است.^۳

ادعای مهدویت درباره امام باقر علیه السلام هم به اعتبار حدیث نبوی بود.^۴ از خود آن حضرت نقل شده که گمان می‌کنند من مهدی هستم.^۵ اما ناووسیه بدین سبب امام صادق علیه السلام را مهدی

۱. مسائل الامامه، ص ۱۹۰.

۲. فرق الشیعه ص ۶۲.

۳. مقاتل الطالبيين ص ۲۰۷.

۴. الفرق بین الفرق ص ۴۵.

۵. کنز العمال ۱۴، ص ۳۱؛ تاریخ دمشق ۵۴، ص ۲۹۱.

خواندند که می‌گفتند آن حضرت چنین پیش‌گویی فرموده که من صاحب السیف هستم و اگر کسی خبر مرگ و حتی تجهیز مرا آورد او را تکذیب کنید.^۱

واقفه از دیگر گروه‌هایی بودند که مهدویت موسی بن جعفر علیه السلام را مطرح کردند. نوبختی آنها را پنج فرقه می‌شمارد که هر کدام به نوعی اعتقاد به زنده بودن آن حضرت داشتند. دسته دوم از آنان به روایاتی استدلال کردند که پدرش (امام ششم) درباره قائم فرموده بود و تعبیر «یملأها عدلاً کما ملئت جوراً» را درباره او به کار می‌برند که نشان دهنده نقش این پیش‌گویی در شکل‌گیری این فرقه است.^۲

شاید از مهم‌ترین جنبش‌هایی که اخبار پیش‌گویی مهدی در شکل‌گیری آنها تأثیر زیادی داشت، عباسیان هستند. آنان بخاطر ظلمی که بنی‌امیه بر مردم کردند در تبلیغات خود از احادیث نبوی و صحابه درباره مهدی و ویژگی‌های او به فراوانی استفاده کردند. اینکه دنیا پس از ظلم و جور، به دست مهدی پیر از عدل خواهد شد، از جمله پیش‌گویی‌های مشهوری است که سبب می‌شد مردم به نهضت مخالف بنی‌امیه بپیوندند. هر چند از ابتدا دقیقاً روشن نبود که قرار است نسل بنی‌عباس از بنی‌هاشم به خلافت دست یابند. اینکه گفته‌اند نخستین خلیفه عباسی در آغاز خلافتش مهدی لقب داشت، شاهدی بر نقش و تأثیر این اخبار بر شکل‌گیری این جنبش است.^۳ خبر دیگری که می‌تواند قابل تأمل باشد سخنی از ابن‌عباس است که سفاح و منصور و مهدی از ما هستند و برای عیسی بن مریم پرچم برخواهند افراشت.^۴ به فرض آنکه روایت پیش از عباسیان وجود داشته، چنین معنا می‌شود که نسل عباس همان مهدی هستند چون با حضرت عیسی ملازمند. یا زمانی حسنین علیهما السلام از کنار ابن‌عباس گذشتند. وقتی رفتند گفت این دو گمان می‌کنند مهدی از نسل آنهاست ولی سفاح و منصور و مهدی از نسل منند.^۵ البته درباره اینکه سفاح و منصور القابی برای مهدی بوده و دو خلیفه نخست عباسی آن را به عنوان مهدی برای خود انتخاب کرده باشند، تردیدهایی هست؛^۶ اما درباره معنادار بودن مهدی لقب سومین خلیفه بحثی نیست.

گویا پیش‌گویی همراهی عیسی علیه السلام با مهدی علیه السلام نیز در شکل‌گیری دولت عباسی بی‌تأثیر

۱. فرق الشیعه ص ۶۷.

۲. فرق الشیعه ص ۸۰.

۳. التنبیة و الاشراف، ص ۲۹۲؛ زین الاخبار ص ۱۳۴.

۴. البدایة و النهایة ۶، ص ۲۴۶ و اخبار الدوله ص ۲۹ با تفاوتی مختصر.

۵. انساب الاشراف ۴، ص ۶۳.

۶. ر.ک: مقاله فرهنگ مهدویت در القاب خلفای عباسی.

نبود زیرا وقتی به خلافت رسیدند ادعا کردند ما حکومت را به عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خواهیم سپرد. جنبش دیگری که همزمان با نهضت عباسی شکل گرفت و اخبار مهدویت در آن نقش داشت، حرکت حارث بن سریج بر ضد بنی امیه بود. وی ادعا داشت که صاحب پرچم‌های سیاه است^۱ و از شواهد چنین برمی آید که پرچم‌های سیاه در آن زمان مصداق یا نشانه‌ای برای مهدی بود بخصوص که از مشرق سر برآورد. به علاوه در یکی از آثار معاصران بر ادعای مهدویت وی تصریح شده است.^۲ حارث مدتی با حاکم امویان در خراسان درگیر بود و سرانجام سرکوب شد.^۳

پیش‌گویی‌ها و اخبار مهدویت در شکل‌گیری جنبش مهدی اسماعیلی که به تشکیل دولت فاطمیان انجامید هم نقش زیادی داشت. بیشترین ناقل و تطبیق‌دهنده این اخبار، قاضی نعمان است. وی گوید رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است مردی از نسل من قیام می‌کند و پیشاپیش او مردی به نام منصور است که کار او را آماده می‌کند. سپس می‌گوید پیشاپیش مهدی فاطمی شخصی به نام منصور بود و شرایط را برای او مهیا کرد. یا از قول امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در وصف مهدی می‌نویسد: صاحب هذا الامر الطريد الشريد الفريد الوحيد. و مهدی [فاطمی] که در مشرق قیام کرد تنها بود و از ترس جاننش فرار کرد.^۴

درباره ابومسلم خراسانی گفته شده که عده‌ای معتقد بودند او نمرده و مصداق «يَمَلَأُ الارض عدلاً» است.^۵

ب) غیبت

درباره غیبت احادیث کمی از رسول خدا به دست ما رسیده و همین اندک نیز در منابع اهل سنت وجود ندارد.^۶ البته از ائمه شیعه روایاتی درباره غیبت مهدی داریم اما به گونه‌ای نیست که بتوان بر نقش این اخبار در شکل‌گیری نحله‌ها یا جنبش‌های مبتنی بر غیبت مانور داد. از آنجا که موضوع غیبت با مهدویت و اعتقاد به آن پیوستگی دارد، می‌توان گفت ذهنیت مسلمانان در همه دوره‌ها اثبات غیبت برای مهدی بوده است. به نظر می‌رسد اعتقاد به غیبت از ادیان گذشته در ذهن مسلمانان صدر اسلام وجود داشت و ائمه شیعه آن را درباره مهدی

۱. تاریخ طبری ۷، ص ۳۴۱.

۲. تاریخ اسلام (ابراهیم حسن) ۱، ص ۳۳۳.

۳. تفصیل اخبار وی را در تاریخ طبری ۷، ص ۹۴ به بعد ببینید.

۴. شرح الاخبار ۳، ص ۳۵۹ و ۳۶۸.

۵. مروج الذهب ۳، ص ۲۹۳.

۶. رک: معجم احادیث الامام المهدی ۱، ص ۲۵۷-۲۷۰؛ کافی ۱، ص ۳۳۸؛ کمال الدین ۱، ص ۲۸۷.

تبیین نمودند.

نخستین ادعایی که بلافاصله پس از رحلت رسول خدا صورت گرفت، درباره غیبت آن حضرت بود. مورخان گویند پس از رحلت پیامبر، عمر گفت آن حضرت از دنیا نرفته بلکه «غشیه» یا «غیبه» برای او اتفاق افتاده است. بلاذری گوید عمر گفت رسول الله غیبت کرده و باز خواهد گشت.^۱ اما شیخ مفید عبارت غیبت را آورده و می گوید عمر گفت رسول خدا همانند موسی غیبت کرده و باز خواهد گشت. فرقه محمدیه هم بدین جهت شکل گرفت.^۲ بنابراین اخبار غیبت در ایجاد این نحله نقش داشته است.

کیسانیه علاوه بر تأثیرپذیری از اخبار مهدی، با اعتقاد به غیبت محمد بن حنفیه شکل گرفت و این اعتقاد از اصول اندیشه آنها بود. زیرا باور داشتند محمد از دنیا نرفته و در کوه رضوی غایب شده است.

واقفه که به زنده بودن امام کاظم علیه السلام اعتقاد داشتند به اخبار غیبت صغرا و کبرا درباره آن حضرت هم استناد کرده و می گفتند امام صادق علیه السلام فرموده که او مانند عیسی بن مریم است.^۳ نقش پیش گویی‌ها درباره دیگر نحله‌ها یا جنبش‌ها نیز با اصل مهدویت در باور آنها آمیخته است. به نظر می‌رسد باور اسماعیلیه به امامت مستور و فاصله طولانی ائمه آنها از محمد بن اسماعیل تا عبیدالله مهدی، بر اصل غیبت استوار بوده است. چنانکه در میان زیدیه این اتفاق افتاد. اگر غیبت نفس زکیه و اختفای طولانی او را تأثیرگذار ندانیم، اینکه گروهی از زیدیه اعتقاد به زنده بودن محمد بن محمد بن قاسم علوی در طالقان^۴ یا یحیی بن عمر علوی داشتند، نشانگر نقش اخبار غیبت در جنبش‌هاست.

بخش دوم؛ بررسی نقش دیگر اخبار در شکل‌گیری نحله‌ها و جنبش‌ها

از دو مقوله مهدی و غیبت که بگذریم سخن گفتن از پیش‌گویی‌های دیگری که در ایجاد فرقه‌ها یا قیام‌ها نقش داشته‌اند به لحاظ علمی آسان نیست. زیرا دو اصل مهدویت و غیبت از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بیان شده و روایات معتبری از زبان ایشان صادر شده است. اما همانگونه که در مقدمه اشاره شد صدور دیگر اخبار که امروزه به عنوان پیش‌گویی قلمداد و تصور می‌شود اطمینان بخش نیست. بلکه بسیاری از آنها با اهداف شخصی یا گروهی به

۱. انساب الاشراف ۲، ص ۲۴۱.

۲. الفصول المختاره ص ۲۴۰.

۳. فرق الشیعیه ص ۹۷ و ۸۰.

۴. الفصل ۳، ص ۱۱۲؛ المسائل الجارودیه ص ۱۱.

پیامبر ﷺ یا ائمه علیها السلام یا افرادی نسبت داده شده است.^۱ از این رو عنوان را «دیگر اخبار» قرار دادیم زیرا معتقدیم صدور بسیاری از آنها از معصوم محل تأمل است. در ادامه به بررسی این اخبار و چگونگی نقش و تأثیر احتمالی آنها در نحله‌ها و جنبش‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. سفیانی

اخبار سفیانی از جمله پیش‌گویی‌های مشهور و گسترده در جهان اسلام است که هم شیعه و هم اهل سنت بدان اهتمام ورزیده و در منابع روایی خود فراوان از آن یاد کرده‌اند. برخلاف دیدگاه برخی عالمان شیعه که روایات سفیانی را مختص منابع شیعه می‌دانند^۲ باید گفت این اخبار در منابع اهل سنت کمتر از شیعه نیست بلکه بعید نیست اصل آن منابع سنی بوده و به شیعه راه یافته است.^۳

بنا به مشهور این روایت‌ها، سفیانی شخصیتی است منسوب به خاندان ابوسفیان که از شام ظهور می‌کند و مدتی امپراتوری اسلامی را جولانگاه خود قرار می‌دهد. در ادبیات شیعه این شخص مقابل مهدی است و به دست یاران او کشته می‌شود. بر اساس منابع شیعی، ظهور سفیانی از جمله پیش‌گویی‌هایی است که حتماً محقق خواهد شد.

جنبش‌هایی که به نام سفیانی در تاریخ اسلام اتفاق افتاد می‌تواند متأثر از این اخبار بوده باشد. سفیانی‌هایی که در تاریخ ظهور کردند عبارتند از:

الف) ابومحمد زیاد بن عبدالله بن یزید بن معاویه؛ این سفیانی یکبار در اواخر دولت اموی ظهور کرد و مردم شام با او بیعت کردند و به نبرد با یزید بن ولید بن عبدالملک برخاست. و بار دیگر هنگامی که عبدالله بن علی نماینده نخستین خلیفه عباسی برای تصفیه شام از امویان به این منطقه رفت زیاد بن عبدالله سفیانی به طمع حکومت و ادعای اینکه او سفیانی موعود است و دولت اموی را برمی‌گرداند از مردم بیعت گرفت. اما در مقابله با عباسیان شکست خورد و گریخت. برخلاف عباسیان لباس سرخ بر تن کرد و مردم را به سوی خود خواند. عبدالله بن علی او را دنبال کرد و سفیانی متواری شده به مدینه رفت عامل عباسی این شهر با او جنگید و او را کشت.

۱. مثلاً ابن سعد که محدثی با گرایش‌های اموی است این خبر را از کعب الاحبار نقل کرده که پیامبر در مکه متولد می‌شود و به مدینه هجرت می‌کند و حکومتش در شام برقرار خواهد بود. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. تاریخ الغیبة الکبری، ص ۶۳۱.

۳. برای نمونه رجوع شود به کتاب الفتن ابن حماد (م ۲۲۸) که روایات بسیاری درباره سفیانی نقل کرده و غالب آنها موقوف و غیر معتبر است. همین روایات را ابن طاووس در کتابی که به نادرستی با عنوان ملاحم شهرت یافته، یعنی التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن آورده است.

ب) ابوالحسن علی بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه معروف به ابوالعمیطر به سال ۱۹۵ در دمشق ادعای خلافت کرد و مردم با او بیعت کردند. او والی خلیفه عباسی را از دمشق بیرون کرد و بر آنجا مسلط شد. درباره سرانجام این سفیانی گزارش زیادی در دست نیست. ذهبی به اشاره می‌گوید برای او حوادثی رخ داد سپس فرار کرد و خود را خلع کرده پنهان شد و مرد.

ج) در اواخر حکومت معتصم و به سال ۲۲۷ هجری، فردی با عنوان ابوحرب یمانی معروف به مبرقع ادعا کرد اموی و سفیانی است. او ابتدا به کوه‌ها پناه برد و بر ضد عباسیان فعالیت داشت تا آنکه گروهی از مردم دعوتش را پذیرفتند و همراه صد هزار نفر قیام کرد. معتصم کسی را به جنگ او فرستاد و لشکر سفیانی شکست خورد.

بدین ترتیب افرادی که از آنها نام برده شد با استفاده از پیش‌گویی‌های رسول خدا یا ائمه اطهار خود را سفیانی خوانده و جنبش‌هایی را تشکیل دادند. در این صورت نقش پیش‌گویی‌ها در تشکیل این جنبش‌ها روشن خواهد بود.

اما یک احتمال هم این است که اخبار سفیانی همزمان با حرکت او جعل شده است.^۱ این جعل می‌توانست دو هدف را دنبال کند. یکی آنکه وقتی در اختلاف داخلی بنی‌امیه، مروان حکم خلافت را به چنگ آورد و شاخه مروانی به حکومت رسید، خانواده ابوسفیان برای بازگرداندن حاکمیت به شاخه سفیانی به تلاش‌هایی تبلیغاتی دست زدند. گفته می‌شود چون خالد فرزند یزید بن معاویه پس از معاویه دوم به خلافت رسید و مروان بن حکم از شاخه غیر سفیانی او را خلع کرد و بر خلافت نشست، خالد به دانش روی آورد و در برابر احادیث مهدویت، روایاتی را درباره بازگشت سفیانیان به عرصه حکومت ساخت و در آرزوی تحقق آن بود.^۲ هدف دوم این بود که پس از سقوط بنی‌امیه، آنان همانند شیعیان که منجی و مهدی داشتند، ادعا کردند سفیانی موعود این خاندان است و برای بازگرداندن حکومت اموی ظهور خواهد کرد.

۲. رایات سود

درباره پرچم‌های سیاه اخبار فراوانی در منابع حدیثی اهل سنت و گاه شیعه وجود دارد. این روایات می‌گوید پرچم‌های سیاهی از مشرق و از ناحیه خراسان ظهور می‌کند و از مهدی پشتیبانی می‌کند. این پیش‌گویی‌ها دو گونه تفسیر می‌تواند داشته باشد: نخست آنکه منظور

۱. متأسفانه آثاری از دوره نخست و عصر منع حدیث در دست نداریم تا بتوان وضعیت این‌گونه اخبار را در دوره بنی‌امیه تشخیص داد.

۲. نسب قریش، ص ۲۲۹؛ النجوم الزاهره، ۱، ص ۲۲۱.

از این احادیث پرچم‌های سیاه بنی‌عباس است که در سال ۱۳۲ هجری اتفاق افتاد. برداشت دیگر آن است که این پرچم‌ها با امام عصر همراه می‌شود و مژده ظهور آن حضرت است. پس اگرچه پیش‌تر مشابه آن هم رخ داده باشد، دلیلی بر نفی وقوع دوباره آن نیست. بنا به تفسیر نخست، این پیش‌گویی در شکل‌گیری جنبش عباسیان نقش ایفا کرد زیرا آنان با افراشتن پرچم‌های سیاه، خود را مصداق این احادیث نبوی دانستند.

البته پیش‌گویی‌های دیگری هم برای آنان بود چنانکه از ابن‌عباس نقل کرده‌اند: فرزندان عباس به حکومت خواهند رسید و دوباره بنی‌امیه حکومت خواهند کرد.^۱ یا امام باقر علیه السلام به برادرش زید درباره مدت حکومت مروانی و اینکه بنی‌عباس جانشین آنها خواهند شد مطالبی را فرمود.^۲

۳. نفس زکیه

یکی از پیش‌گویی‌های مشهور از زبان رسول خدا و صحابه آن حضرت و صادقین علیهم السلام کشته شدن انسانی پاک است. بخشی از این اخبار به ظهور مهدی مربوط است و بخش دیگر کلی است و از قتل نفس زکیه در مدینه خبر می‌دهد.

انسان پاک یا نفس زکیه لقب شخصیتی در تاریخ اسلام نیز هست که جنبش او علیه ابوجعفر منصور سال‌ها خلافت عباسی را درگیر خود کرد و سرانجام کشته شد. آشفتگی اخبار مربوط به وی از یک سو و کثرت نقل حدیث در آن دوره از سوی دیگر، تشخیص صحیح و سقیم آنها را مشکل می‌کند. زیرا برخی احادیث نفس زکیه منسوب به رسول خداست پس می‌توان تشکیل این حرکت را متأثر از این پیش‌گویی دانست. چنانکه علویان معتقد بودند وی همان نفس زکیه‌ای است که در روایات وعده داده‌اند. او که نامش محمد و از نسل امام مجتبی علیه السلام بود پس از دوره‌ای مبارزه مخفیانه با حکومت تازه تأسیس بنی‌عباس در سال ۱۴۵ شورش کرد و بسیاری از مردم مکه و مدینه به او پیوستند. وی عامل منصور در مدینه را دستگیر کرد و شهر را به تسلط خود درآورد. زندان‌ها را گشود و عاملان خود را به شهرها فرستاد. از سوی دیگر ممکن است در همین زمان، اخباری رواج یافته و برخی آن را به معصومین نسبت داده‌اند. بخصوص که روایات شیعه بیشتر از امام صادق علیه السلام است که نفس زکیه در زمان او قیام کرد.

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۰۶.

۴. طلوع خورشید از مغرب

به رغم احادیث بسیاری که حوادثی را درباره مشرق پیش‌گویی می‌کند، روایاتی هم هست که رویدادهایی را به مغرب زمین در سده‌های نخست اسلامی نسبت می‌دهد. از امام باقر علیه السلام نقلی وجود دارد که در آن طلوع خورشید از مغرب، از مسائل حتمی دانسته شده است.^۱ البته بیشتر روایاتی که سخن از طلوع خورشید از غیرمحل خود را خبر می‌دهد درباره برپایی قیامت است. در کتب ملاحم و فتن آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سال سیصد، خورشید از سمت مغرب طلوع خواهد کرد.

این پیش‌گویی‌ها دستاویز جنبش بزرگ فاطمیان در مغرب قرار گرفت و دولت خود را بر اساس این احادیث دانستند. داعیان اسماعیلی پس از یک دوره استتار و دعوت و پس از جنگ و گریزهایی، در سال ۲۹۷ دولت فاطمیان را بنا نهادند.

قاضی نعمان مغربی که از شیعیان اسماعیلی و از تئوریسین‌های این فرقه است خبر سال سیصد را پیشگویی رسول خدا درباره مهدی فاطمی دانسته و در توجیه آن تلاش کرده است. وی می‌گوید: «این حدیث مشهور است و تاکنون خورشید از مغرب طلوع نکرده پس مقصود رسول خدا، قیام مهدی از مغرب است و مهدی همان خورشیدی است که فرموده سیصد سال پس از هجرت من طلوع خواهد کرد و چنین هم شد و مهدی علیه السلام در سال ۲۹۷ آشکار گشت». شاعری هم پیش از ظهور مهدی فاطمی سروده است که: گویا می‌بینم خورشید از مغرب بر ما طلوع کرده و زمین را از عدالت پر می‌کند.

بدین ترتیب پیش‌گویی‌ها درباره مغرب و بخصوص طلوع خورشید از غرب نقش به‌سزایی در تشکیل دولت شیعی فاطمیان داشت.

۵. علائم جسمانی

درباره اصل مهدی و نقش آن در جنبش‌ها و فرقه‌ها سخن گفتیم. در روایات زیادی نشانه‌هایی جسمی برای مهدی بیان شده که می‌توان گفت در ایجاد برخی جنبش‌ها و فرقه‌ها تأثیر داشته است.

از جمله نشانه‌های جسمانی، خال سیاهی است بر گونه راست مهدی. این علامت در پیشگویی نقل شده از رسول خدا وجود دارد.^۲ شبیه آن برای محمد بن عبدالله حسنی گفته

۱. الارشاد ۲، ص ۳۷۱ و الغیبه طوسی ۴۳۵.

۲. بحار ج ۵۱ ص ۸۰.

شده که خال سیاهی بر کتف داشت.^۱ به نظر می‌رسد وجود این خال بر بدن محمد متأثر از آن روایات باشد.

محمد بن جعفر دیباج فرزند امام صادق علیه السلام جنبشی علیه عباسیان به راه انداخت و با مأمون درگیر شد. او می‌گفت امیدوارم مهدی باشم زیرا شنیده‌ام در یکی از چشم‌های مهدی عیبی هست.^۲ بنابراین اخباری از این دست می‌توانست در گرایش به فردی که عنوان موعود گرفته است نقش ایفا کند.

۶. نام افراد و مکان‌ها

درباره نام افراد اشاره شد که چون پیامبر فرموده نام مهدی همانام من است عده‌ای این را افزودند که نام پدر مهدی هم نام پدر من است. از این رو حدیثی منسوب به پیامبر میان محدثان غیر امامی شهرت یافت که «اسمه اسمی و اسم ایبه اسم ابی» به جای آنچه صحیح است یعنی «اسمه اسمی و کنیته کنیتی» یا «اسم ایبه اسم ابنی» که منظور نوه آن حضرت حسن علیه السلام است. به نظر می‌رسد چنین حدیثی هم وجود داشته و دو واژه ابی و ابنی تصحیف شده‌اند.

این پیش‌گویی و نام و نسب اشتباه یا جعلی یعنی محمد بن عبدالله برای مهدی، نقش مهمی در ایجاد نحله‌ها و جنبش‌ها داشت. افراد بسیاری با این نام و نسب ادعای مهدویت کردند و مردم را به دنبال خود کشاندند. همانگونه که در میان معتقدان به نسب محمد بن الحسن برای مهدی، افرادی ادعای آن را داشته‌اند.^۳

محمد بن عبدالله بن حسن مثنی مشهور به نفس زکیه با حمایت پدر و حسنیان ادعاهایی در سر می‌پروراند.^۴ او ادعای می‌کرد مهدی است که رسول خدا فرموده چون پدرش از بدو تولد چنین ادعایی برای او داشت و نام پسرش را محمد گذاشت و گفت رسول خدا فرموده است: مهدی از نسل من است، نامش نام من و نام پدرش نام پدر من است.^۵ جنبش وی در مدینه به نتیجه نرسید و همانگونه که امام پیش‌گویی کرده بود کشته شد.

محمد بن عبدالله فرزند منصور عباسی که ملقب به مهدی شد از مشهورترین این افراد

۱. مقاتل الطالبيين ص ۲۱۵.

۲. شرح الاخبار ۳، ص ۳۳۷.

۳. مانند محمد بن حسن مدعی مهدویت در سال ۷۱۷. رک: نهاية الارب ۳۲، ص ۲۷۷.

۴. مروج الذهب ۳، ص ۲۵۴.

۵. شرح الاخبار ۳، ص ۳۲۲.

است. اما ایجاد نحله یا جنبش درباره وی مصداق کاملی ندارد جز آنکه بگوییم پدرش در صدد بود برابر محمد بن عبدالله حسنی جنبشی در حمایت بنی‌عباس ایجاد کند و چنین القا کند که نه او بلکه فرزندش مهدی است. چون تولد مهدی عباسی پس از حسنی بوده و روشن است نام‌گذاری او با برنامه انجام شده است. فرزند هم می‌خواست و انمود کند مهدی است و حرکت عباسیان را شدت بخشد و نارضایتی‌ها را برطرف کند. گفته‌اند درباره او روایاتی وارد شده و نشانه‌هایی وجود دارد.^۱ پس نام‌گذاری او بر اساس پیش‌گویی‌ها بوده است.

در دوره‌های بعد نیز این ادعاها و همنامی‌ها زیاد وجود دارد که از محدوده زمانی این نوشتار خارج است.^۲

شبیه این مطالب درباره مکان‌ها هم هست. چون منابع اسلامی اخبار و پیش‌گویی‌هایی را درباره برخی شهرها و مکان‌ها ذکر کرده‌اند. در این روایات از شهرهای مقدسی چون مکه و مدینه و کوفه بیش از بقیه جاها سخن به میان می‌آید. چنانکه ظهور مهدی در یکی از این مناطق گمانه‌زنی شده است. این اخبار سبب شده است برخی نحله‌های فکری و برخی قیام‌ها و جنبش‌ها در این مناطق شکل گیرد. اعم از اینکه آن روایات معتبر بوده باشد یا به دست همان فرقه‌ها یا قیام‌کنندگان ساخته شده باشد.

درباره خراسان و مشرق اسلامی اخبار بسیاری نقل شده که با توجه به ارتباط آن با پرچم‌های سیاه ذیل رایات سود از آن سخن گفتیم. درباره مغرب و ظهور مهدی در آنجا نیز ذیل طلوع خورشید از مغرب اشاره شد.

شیخ مفید اخباری نقل کرده که می‌گوید مهدی از مکه ظهور می‌کند و به کوفه می‌رود و پس از استقرار در نجف نیروهای خود را به شهرها گسیل می‌نماید.^۳ در مقابل این اخبار به امام باقر علیه السلام چنین نسبت داده شده که: پرچم‌های سیاه از خراسان می‌آیند و در کوفه مستقر می‌شوند. پس هرگاه مهدی در مکه آشکار شود با او بیعت خواهند کرد.

در هر صورت مهدی از هر جا ظهور کند کوفه محل استقرار او خواهد بود. جنبش‌هایی بوده است که از کوفه آغاز یا بدانجا ختم شده است. حرکت عباسیان از خراسان شروع شد و در کوفه پایان یافت. ابراهیم بن عبدالله بن حسن مثنی در بصره قیام کرد و زیدیه دعوت او را لبیک

۱. انساب‌الاشراف، ج ۴، ص ۳۴۶.

۲. مانند محمد بن عبدالله ابن‌تومرت (م ۵۸۰) که در مغرب ادعای مهدویت کرد و جنبشی را به راه انداخت که به سلسله موحدین منجر شد (رک: تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۳۶، ص ۱۰۶) بی‌شک پیش‌گویی نام و نسب مهدی در نام‌گذاری و ادعای وی تأثیر داشته است.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.

گفته عده زیادی همراه او سوی کوفه راه افتادند و در محلی به نام باخمراسرکوب شدند. حسین بن علی معروف به شهید فح از مدینه به سمت مکه می‌رفت که قیامش سرکوب شد. از اینها مهم‌تر به طالقان باید اشاره کرد که نقش پیشگویی‌ها درباره این شهر و حرکت‌هایی که در آن شده به خوبی آشکار است. درباره این شهر دو پیش‌گویی از قول معصومان نقل شده^۱ و همچنین برخی از یاران قائم را از آنجا دانسته‌اند.^۲

محمد بن قاسم علوی به سال ۲۱۹ هجری در طالقان خراسان [واقع در افغانستان امروزی] قیام کرد و چون مرگ او مبهم ماند زیدیان طرفدار او شایع کردند که غایب شده و از طالقان خروج و ظهور خواهد کرد.^۳ از آن زمان تا کنون درباره نام طالقان تصویری مقدس وجود دارد. البته آن حادثه و اعتقاد زیدیه به فراموشی سپرده شد و باورها درباره طالقان افغانستان به طالقان ایران (نزدیک تهران) منتقل شد. امروزه شنیده می‌شود گروهی این شهر را محل ظهور برخی یاران ولی عصر می‌دانند و حرکت‌هایی نمادین در آنجا برگزار می‌شود.

۱. اعلام الوری ۲، ص ۱۸۹؛ بحار ۴۱، ص ۳۵۲ و ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. التشریف بالمتن ص ۲۹۰ و ۳۷۶.

۳. رک: مروج الذهب ۳، ص ۴۶۵.

منابع

- اخبار الدولة العباسية؛ مؤلف مجهول قرن سوم؛ تحقيق عبد العزيز الدورى و عبد الجبار المطلبى بيروت: دارالطليعه، ١٣٩١ق.
- الأخبار الطوال، ابوحنيفة الدينورى، القاهرة: دار احياء الكتب، ١٩٦٠. (افست نشرضى قم).
- الارشاد، محمد بن محمد بن النعمان الشيخ المفيد (م ٤١٣)، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، بيروت، ١٤١٦ق.
- اعلام الورى بأعلام الهدى؛ فضل بن حسن الطبرسى (م ٥٤٨)؛ تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت لاحياء التراث بقم، ١٤١٧ق.
- انساب الأشراف؛ احمد بن يحيى بلاذرى (م ٢٧٩)؛ تحقيق سهيل زكار / رياض زركلى؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق.
- بحار الأنوار؛ محمدباقر مجلسى؛ بيروت: دار احياء التراث العربى / مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.
- البداية و النهاية، ابولفداء ابن كثير دمشقى (م ٧٧٤)؛ بيروت: دار الفكر، ١٣٩٨م.
- تاريخ الاسلام، حسن ابراهيم حسن، قاهره: مكتبة النهضة المصرىه، ١٩٦٤م.
- تاريخ الاسلام، شمس الدين محمد ذهبى (م ٧٤٨)؛ تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى؛ بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٢١١٤١٠ق.
- تاريخ الطبرى، (تاريخ الأمم و الملوك) محمد بن جرير طبرى (م ٣١٠)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم؛ بيروت: دارالتراث العربى، بى تا.
- تاريخ الغيبة الكبرى (موسوعة الامام المهدي .الكتاب الثانى) السيد محمد الصدر، بيروت: دارالتعارف، چاپ اول، ١٣٩٥ق.
- تاريخ دمشق، على بن الحسن ابن عساكر (م ٥٧١) تحقيق على شيرى؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
- التشريف بالمنن فى التعريف بالفتن (معروف به ملاحم)؛ رضى الدين سيد ابن طاوس، تحقيق مؤسسة صاحب الامر؛ اصفهان: گلپهار، ١٤١٦ق.
- التنبيه والاشراف، على بن الحسين المسعودى (م ٣٤٦)، قاهره: دارالصاوى، [بى تا].
- زين الاخبار، عبدالحى گردبىزى، تهران، دنياى كتاب، ١٣٦٣.
- شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار؛ قاضى نعمان بن محمد المغربى (م ٣٦٣)، تحقيق سيد محمد حسين جلالى، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٩ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م ٢٣٠)؛ تحقيق عبدالقادر عطا؛ بيروت: دارالكتب

- العلمية، ١٤١٨ ق.
- الغيبة، شيخ طوسی محمد بن حسن (م ٤٦٠)، تحقيق طهرانى و ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤٢٥ ق.
- فرق الشيعه؛ حسن بن موسى النوبختى (قرن سوم)؛ بيروت: دارالاضوء، ١٤٠٤ ق.
- الفرق بين الفرق، عبدالقاهر بغدادى، بيروت، دارالجيل / دارالآفاق، ١٤٠٨ ق.
- فرهنگ مهديت در القاب خلفاى عباسى، فاروق عمر، ترجمه غلامحسن محرمى، چاپ شده در مجله تاريخ در آيينه پژوهش، ش ٥، بهار ٨٣.
- الفصل فى الملل و الاهواء و النحل، ابن حزم اندلسى، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٦ ق.
- الفصول المختاره؛ محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد، م ٤١٣)، تأليف سيد مرتضى، تحقيق ميرشريفى، بيروت: دارالمفيد ١٤١٤ ق (جلد دوم از مؤلفات).
- كنز العمال، علاءالدين المتقى الهندى، تحقيق محمود عمر الدمياطى، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٩ ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور (م ٧١١)، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.
- مبانى جامعه شناسى، بروس كوئن، ترجمه توسلى و فاضل، ص ٤١٣. چاپ سمت، تهران: ١٣٧٢.
- مروج الذهب و معادن الجوهر؛ على بن حسين مسعودى (م ٣٤٦)، تحقيق اسعد داغر، قم، مؤسسة دارالهجره، ١٤٠٩ ق
- مسائل الامامه، عبدالله بن محمد ناشى اكبر، قم: اديان، ١٣٨٦.
- المسائل الجاروديه، شيخ مفيد، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
- معجم احاديث المهدي عليه السلام؛ ياشراف على الكورانى؛ قم: مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤١١ ق.
- مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهانى (م ٣٥٦)؛ تحقيق احمد الصقر، قم: مكتبة الحيدريه، ١٣٨١ / بيروت، دارالمعرفه، ١٤١٩ ق
- النجوم الزاهره، ابن تغرى بردى، قاهره، المؤسسة المصرية العامه، ١٣٩٢ ق.
- نسب قريش، مصعب بن عبدالله زبيرى، قاهره، دارالمعارف، بى تا.
- نهاية الإرب فى فنون الأدب؛ احمد بن عبدالوهاب النويرى؛ قاهره: المؤسسة المصرية العامه، بى تا.